

آثار تاریخی

جلد شاپور

ناشر

وگرتهمین - کریمی

صحرای شاپور - در جلگه
شاپوردهات بسیار است و رودخانه
از میان آن جلگه میگذرد. در سه
سمت جلگه کوه است و سمت دیگر
که جنوب شرقی آن باشد صحرائی
باز. در تمام صحرای شاپور آثار
عمارت و ابنیه و آتشکده و مانند
اینها دیده میشود. معلوم است
که شهری بغایت عظیم بوده
بعضی از دهات صحرای شاپور
در یکطرف رودخانه واقع است
و برخی در طرف دیگر. در جانب
شمال شرقی آن تنگی است که
شعبه ای از رودخانه مذکور از آن
تنگ میآید و در آن تنگ
صورتهاست و در آنجا نیز اشکفتی
و دخمه ایست و آنرا دیگر نیز هست
که شرح آنها را قوم خواهد شد.

دورودخانه در آن جلگه جاری است. یکی از همین تنگ است که آنرا تنگ چوگان میگویند و این دورودخانه دوسر چشمه دارد یکی در رنجان است و دیگری در جانی موسوم به چشمه ساسان و آن نزدیک نقش شاپور است در تنگ چوگان. این دو چشمه مزبور رودی تشکیل داده و از تنگ داخل جلگه شاپور میشوند اما رودخانه دیگر، منبع آن نیز در دو موضع است. یکی چشمه ایست موسوم به چشمه سراسیب که در خود جلگه میباشد، در دامن کوهی در شمال شرقی جلگه - دیگری در مکانی است که آنجا را چنار شایجان میخوانند، در سمت شمال جلگه بمسافت ۶ کیلومتری قرار دارد.

این دو چشمه نیز یکی گشته، رودی تشکیل میدهند و در صحرای شاپور این دو رود خانه بهم متصل شده از جلگه گذشته بسمت خشت و از آنجا هم بارودخانه دائمی یکی شده در کنار بندر بوشهر به خلیج فارس میریزد. شهر قدیم شاپور متصل بآب رودخانه شاپور است که تمام این محوطه را شاپور خوره یا خوره شاپور یا گوره شاپور میخواندند.

این شهر یکی از پنج محل ایالت فارس بوده که یک قسمت از فلات جنوبی ایران را در سواحل خلیج تشکیل میداده و بسلاطین هخامنشی تعلق داشته است. بعد از فتح اسکندر و حکومت جانشینان او، این ناحیه نیز در تحت تسلط آنان درآمد و کم کم به پارتها منتقل گردیده سپس محل نشوونمای ساسانیان شده است. شاپور یکی از شهرهایی شد که جلب توجه ساسانیان را بخود نمود، چه این شهرداری مناظر طبیعی خوب و آبی بس فراوان و در دره‌ای واقع است که ۱۵۰ کیلومتر از هر طرف ممتد میباشد و میتوان آنرا چهارراه و محل ارتباط راههای کشور قدیمی ایران دانست. بدین ترتیب که از یکطرف به بین النهرین و شوش و تیسفون و از طرف دیگر به فیروز آباد و راه سوم به استخر و راه چهارم بدریا مربوط می شده است.

شهر شاپور کنونی بتوسط شاپور اول در روی خرابه شهر قدیمی که در زمان اسکندر رو بخرابی رفته بوده بنا شده است.

در سال ۱۶ هجری (۶۳۷ میلادی) بدست مسلمین فتح گردیده و آنرا شاپوریا و شاپور یا شهرستان نامیدند.

مقدسی جغرافی‌دان معروف در قرن چهارم هجری (دهم میلادی) آنرا نیمه خراب ذکر میکند.

ابن البلاخی دو قرن بعد اظهار میدارد که: این شهر آبادی بسیار، از جدیت سلاطین سلجوقی یافت.

در زمان حکمرانی امرای شبانکاره، خصوصاً ابوسعید محمد بن ماما این شهر باز سرو صورتی بخود گرفت و روبه آبادانی رفت ولی این آبادانی مدت مدیدی طول نکشید؛ چه در قرن ششم هجری (دوازدهم میلادی) جز خرابه‌ای در دره‌ای و غاری چیز دیگر بنظر نمیرسد.

در قرن سیزدهم هجری (قرن نوزدهم میلادی) این مکان نیمه خراب که عظمت قدیمی و شوکت واقعی خود را حفظ نموده بود طرف توجه عاشقان علم تاریخ و خصوصاً باستان‌شناسان قرار گرفت و جلب نظر سیاحان را نمود.

در سال ۱۸۰۹ میلادی: موریه انگلیسی Morier

در سال ۱۸۴۵ میلادی: بارون دوبد Baron de Bode

در سال ۱۸۵۱ میلادی: فلاندرن و کست Flandin et Coste

در سال ۱۸۸۴ میلادی: دیولافوا Dieulafoy

و در عصر حاضر زاره و هرتسفلد Sarre et, Hertzfeld

و این جهانگردان دانشمند در این حجاریها مطالعات عمیقی نمودند.

تالبورایس (Talbot Rice) نیز که این مکان را دیده مقاله‌ای در مجله

صنایع اسلامی Artsislamic در این خصوص نوشته است. اما تا سال (۱۳۱۴ شمسی - ۱۹۳۵ میلادی) هیچک از متخصصین و باستان‌شناسان در این محل کاوش ننموده و کمانه زنی هم نکرده‌اند.

تا اینکه هیئت وزیران در جلسه ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۱۴ خورشیدی (۱۹۳۵ میلادی) بنا بر خواست مسیو شیرشمن (Mr. Chirshman) فرانسوی نماینده موزه لوور پاریس و رئیس هیئت حفاری تپه سلیک کاشان تصویب نمودند که اجازه حفاری در شاپور واقع در دوازده کیلومتری

کازرون بنام مشارالمیه برای مدت سه سال داده شود و نامبرده پس از تحصیل این اجازه رسمی از دولت ایران، بامیسیون خود: مسیوهاردی (Mr. Hardi) نقشه کش و آزادخان عکاس برای حفاری و خاکبرداری در شهر شاپور آماده کار شدند.

مدت چهار سال همه ساله این هیئت در شهر شاپور هر سالی سه الی چهار ماه در فصل پائیز و زمستان حفاری نمودند و نمایندگان اداره کل باستان-شناسی ایران بترتیب: آقای تقی علی آبادی - مرحوم صهبا (دو سال) و مرحوم ضرغام بودند.

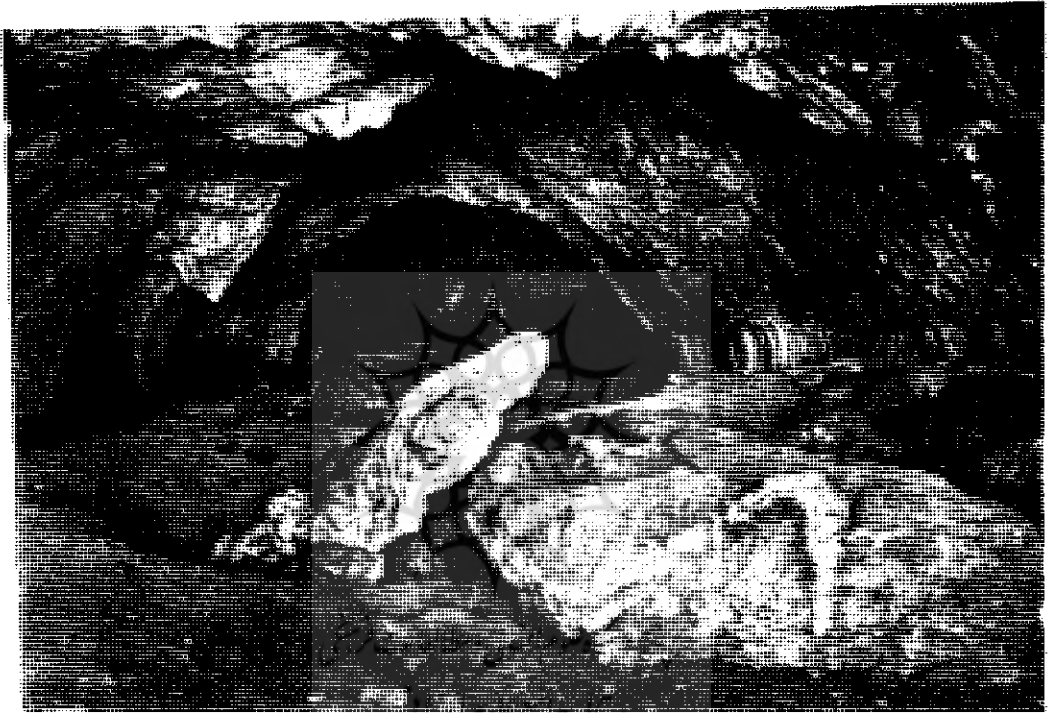
این کاوش از سال ۱۳۱۴ خورشیدی شروع و تا سال ۱۳۱۸ ادامه داشته است.

اشکفت شاپور^۱ - در بالای گردنه یکی از این کوهها بارتفاح ۶۰۰ متر در صفا طبیعی و کوچکی غاری طبیعی دیده میشود و این دخمه از آثار بسیار غریب است.

از تنگ چو سمان بمقدار سه کیلومتر در طرف دست راست، در همان کوهی که نقش ساسانیان در آنست بر بالای کوه دخمه ایست و دهانه آن رو بجنوب است. رفتن در آن غار به تنهایی ممکن نیست بلکه باید چند نفر باهم باشند، زیرا جایی مخوف و هولناک است و ورود بداخل آن اشکفت هم بدون چراغ و روشنائی مشکل است و چون این اشکفت طبیعی است وصول بانتهای آن دشوار است.

از دامنه کوه بمقدار سه کیلومتر سربالائی و سنگلاخ که معادل سی کیلومتر است و بسیاری از جاها پرتگاه (و بقول لرها کمر). چون بالا رویم در نزدیکی آن غار صعوبت دیگری پیش می آید؛ چه آنجا از قطعه ای از کوه که مانند دیوار صاف است، بارتفاح سه متر باید با چهار دست و پا بالا رفت تا بدرون غار رسید و بالا رفتن از آن بطوری سخت است که شخص مرگ را در جلوی چشم خودش می بیند؛ چه در زیر پای شخص دره بسیار سر اشیب و

۱ - غار شاپور.



تصویر ۱ - مدخل غار شاپور را نشان میدهد .



تصویر ۲ - مجسمہ
شاپور

عمیقی واقع شده و بدتر از همه آنکه در روی سنگ سه متری صاف، جائی برای درنگ نیست.

عرض دهانه غار ۱۵ متر و ارتفاعش کمتر از آنست، اما وسعت داخلی آن عرضاً متجاوز از ۱۵ متر و طول غار بسیار است.

سابقاً بمحض ورود بداخل غار، دره ۱۵ قدمی مجسمه شاپور را شکسته و افتاده می دیدیم که هشت متر ارتفاع داشته و آنرا از يك گل فهسنگ غار تراشیده بودند؛ بطوری که سرش بسنگ سقف غار و پایش بسنگهای کف غار متصل بوده است. منتهی در نتیجه زلزله ممتدی که در آن مکان بظهور رسیده و یا بدست افرادی، دو پای این مجسمه گرانها از بین رفته است.^۱

شاپور در این پیکره تاجی مدرج بر سر دارد، ریشش کوتاه و مجعد است و کیسوانش خیلی انبوه و حلقه حلقه از دو طرف بردوش ریخته، گردن بندی بگردن افکنده و شمشیری حمایل نموده است.

در عقب آن، بمسافت چند قدمی، دو حوض است که بشکل مربع مستطیل در سنگ حفر نموده اند. اولی ۳ متر طول و ۲ متر عرض و دومی ۱/۵ متر طول و يك متر عرض دارد. و هر دو حوض در جنب هم واقع شده اند. از سقف این غار از همه طرف آب چکیده و گل فهسنگهای زیبا و تماشائی درست کرده. حتی شکل حیوانات را نیز در روی سنگها میتوان مجسم نمود.

در بدنه و جدار این غار از دو طرف آثار و علامت صورتھائی دیده میشود باین معنی که دیوار را صاف و هموار نموده و طرح صورتها بر آن ریخته اند اما ناتمام مانده است.

از این حوضها ببعدها تاریک میشود و احتیاج بروشن کردن شمع یا چراغ است. در این غار سرازیری و سربالائی بسیار وجود دارد و حوضھائی چند یافت میشود. مخصوصاً حوضی شبیه بنعل (هلالی) که دور تا دور آن از ۲۰ متر متجاوز بوده و بطوری در سراسیمی ساخته بودند که یکطرف آن یکمتر و طرف دیگر ۱/۴ متر عمق داشت.

۱ - این مجسمه عظیم شاهنشاه ساسانی اینک بهمت ارتش شاهنشاهی برپا داشته شده است.

عکس برداری در این غار بعلت تاریکی میسر نمیشد و چون انتهای غار بشعبات مختلف منقسم میشود شخص مجبور میشود که توسط علامات و آثار مانند بستن نخ بسنگها و ایجاد علامت های مشخصه بین راه، بتواند مراجعت کند.

کاوش توسط هیئت حفاری فرانسویها بریاست مسیو کیرشمن و همراهان در دو محل اصلی بعمل آمده است.

۱ - در اطراف محلی موسوم بآتشکده

۲ - در اطراف محلی مخصوص بنام مکان مقدس .

آتشکده - این محل يك ساختمان مربعی شکل است که هر ضلع آن ۱۴ متر میباشد. سطح زمین آتشگاه سابقاً هفت متر پائین تر از ساختمان کنونی بوده؛ چه مراسم آتش پرستی را در زیر زمین و از نظر مردم مخفی میداشتند. در زیر زمینهای این تالار يك دخمه طاق دار که دارای بیست پله کان بوده سابقاً تعبیه شده که بدرون آن زیر زمین میرفته. دیوارهای اطراف آن دارای سنگهای حجاری شده بوده است .

ضخامت این دیوارها ۲/۳۰ متر ولی دیوار شمالی کاملاً محفوظ مانده و ۱۴ متر میباشد .

در روی این دیوار دو حجاری موجود است که شکل يك گاو را که زانو بزمین زده نشان میدهد. همچنانکه در سر ستونهای هخامنشی این حیوان مشاهده شده است .

روی زمین آتشگاه خاکسترهایی موجود بوده که میتوان حدس زد سقف آن از چوب ساخته شده .

دالان تاریکی شخص رابدهلیزی هدایت میکند که از دهلیز بوسیله دری وارد جوی هائی میشوند که جهت فاضل آب ساخته شده بوده است .

این آتشگاه شباهت کاملی بتمام آتشگاههای دیگری که در ایران ساخته شده است دارد و شباهت بسیاری نیز بمعبد آفتاب در شهر هاترا واقع در بین - النهرین داشته است .

در قصر شیرین گرمانشاه و گل دختر خراسان و ژیرا (جیرا) بین کازرون و فیروز آباد آتشگاههای دیگری قرین همین آتشگاه بوده است و تمام این آتشگاهها یک شکل و روی یک نقشه مربع و هر کدام دارای چهار در ورودی ساده بودند و در سقف بعضی از این آتشگاهها سوراخی نیز مشاهده میشود . هر یک از این آتشگاهها در مکانهای مختلفه ایران باسمى موسوم بوده : مثلاً در قصر شیرین باسم **چهار قابو** ، در فارس بنام **چهار طاق** در شاپور بنام **آتشگاه** و در دوره های اسلامی خانه های زیادی هم اطراف این آتشگاهها ساخته بودند .

اطاقها و تالارهای این معبد در سال دوم و سوم کاوشهای هیئت مزبور از زیر خاک بیرون آمده است. همچنانکه تالار مرکز آن در سال دوم از زیر خاک بیرون آمد و سنگهای بسیاری این تالار را تانیمه پرنموده بود و دیوارها همه شکسته و افتاده بودند؛ چه این مکان از زلزله بسیار صدمه دیده بود. زمین این تالار از سنگهای بزرگ (۹۰/۹۰ × ۱/۹۰ متر) مفروش بوده و اکنون هم دیده میشود . آتش مقدس در این تالار برای همیشه شب و روز بتوسط نگهبانی روشن بوده است و نور خورشید و اشعه آن در این تالار بزرگت داخل می شده است. در ضمن کاوش در زاویه شمالی تالار مرکز، اطاق کوچکی نمایان شد که گویا مکان ادعیه و اوراد و یا انزوا بوده است؛ چه در گوشه ای چنان ساخته شده که از نور روز بی بهره مانده و بکلی تاریک است .

در گوشه غربی این معبد حوضی جهت جمع شدن آب ساخته بوده اند که از آنجا آب را با تمپوشه های گلی با طرف میبرده اند و این تالار مجراهایی جهت خروج آب داشته که از خاک پر شده و از بین رفته است .

بناهای مقدس - در ۵۲۵ متری مغرب آتشگاه، مکان دیگری از زیر خاک بیرون آمد و دو ستون سنگی در آنجا کشف شد و قطعات سرستون و پایه ستون و نیز خانه ها و خرابه هایی در آن اطراف نمایان گردیده است. ستونها از کمر شکسته و هر کدام از ستونها دارای یک سرستون که بسیار زیبا حجاری شده بود بنظر میرسید. طول این ستونها ۳/۳۰ سانتیمتر و قطر پایه آنها ۷۰

ساقی‌متر و قطر بالا ۶۰ سانتیمتر روی طرف راست این ستون کتیبه‌ای بدوزبان پهلوی ساسانی و اشکانی منقور شده که مسیو گیرشمن آن را کپی کرده است و ترجمه آن بعد خواهد آمد.

از مطالعه این کتیبه معلوم میشود که بنای مقدس بافتخار شاپور اول در سال (۲۶۶ میلادی) ساخته شده است.

بعضی از علمای علم آثار باستان راعقیده بر آنست که چون در زمان شاپور رابطه ایران و روم بسیار بوده و رفت و آمدهای زیاد بین این دو مملکت برقرار گردیده صنعتگران بسیاری از روم بسایران مسافرت کرده و متوطن شده‌اند و بدین جهت تأثیر معماری رومی در این آثار نمایان است.

این تأثیرات در تمام عمارات و ابنیه شاپور هویدا و آشکار است و میتوان گفت که صنعت در این دوره رنگ صنعت رومی دارد بدین معنی که اصل صنعت از ایران و ظواهر آن از روم است.

در این مکان مجسمه شاپور بدست نیامده ولی قطعات مره‌ری که قسمتی از مجسمه را تشکیل میداده پیدا شده است. از طرف دیگر از دوره اسلامی بعضی مسکوکات و بعضی قطعات برنز و مره‌رنیز بدست آمده است.

در سالهای بعدی نیز کاوش در این محل ادامه یافته و پس از خاکبرداری دوره اسلامی، خانه‌ها و کلبه‌ها متعلق بآن عهد (آثار ساسانیان) که در زیر زمین مستور و مخفی بود، نمایان گردیده است.

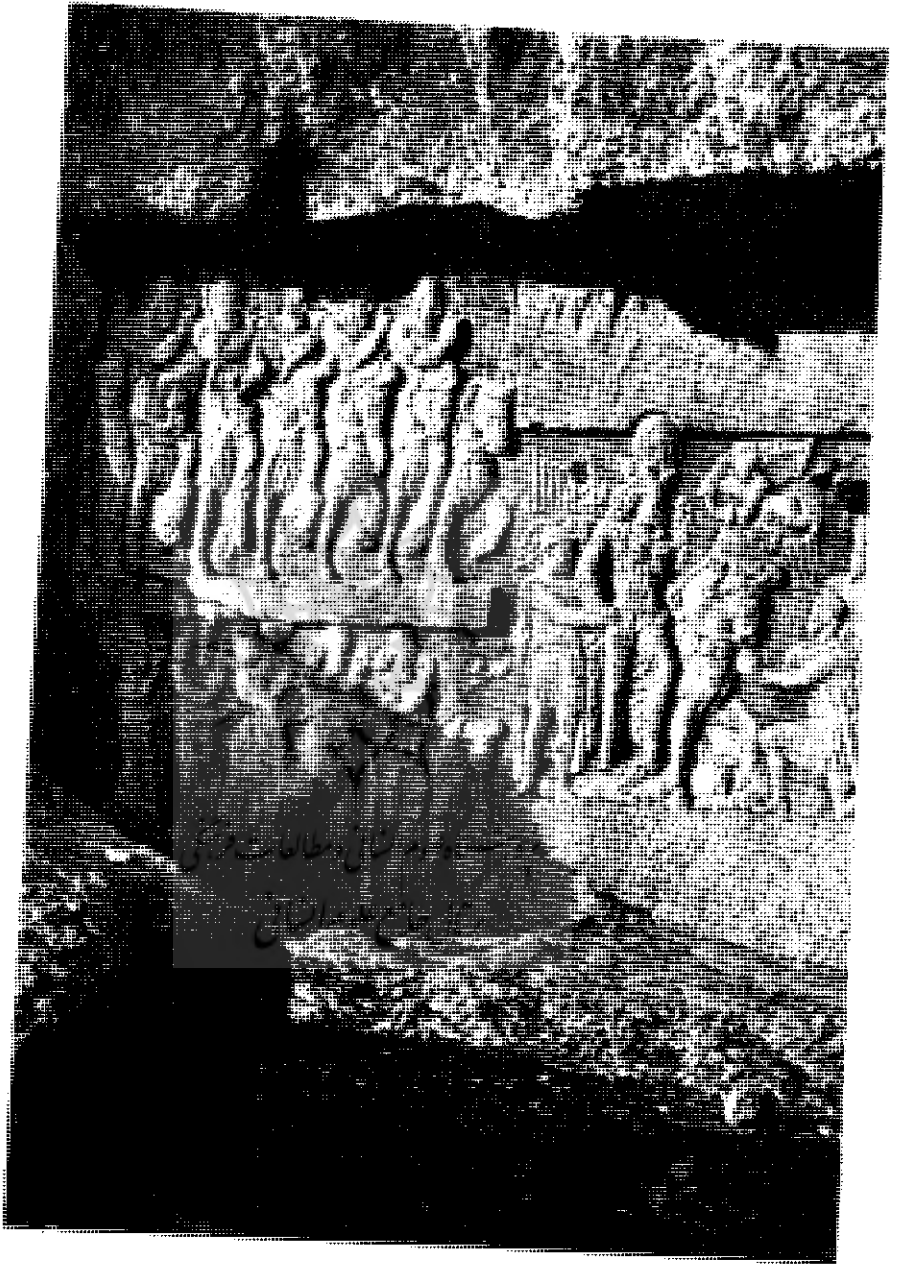
گذشته از قصور، آثار مختصر دیگری از قبیل کوزه‌های سفالین منقوش کوچک و بزرگ، قطعات برنز و شیشه‌های کوچک بدست آمده که متعلق بقرن ششم بعد از اسلام و دوره مغول میباشد.

اینک عین کتیبه منقور بر روی ستون معبد که بدوزبان پهلوی ساسانی و اشکانی بوده و در ۱۶ سطر نوشته شده نقل میشود:

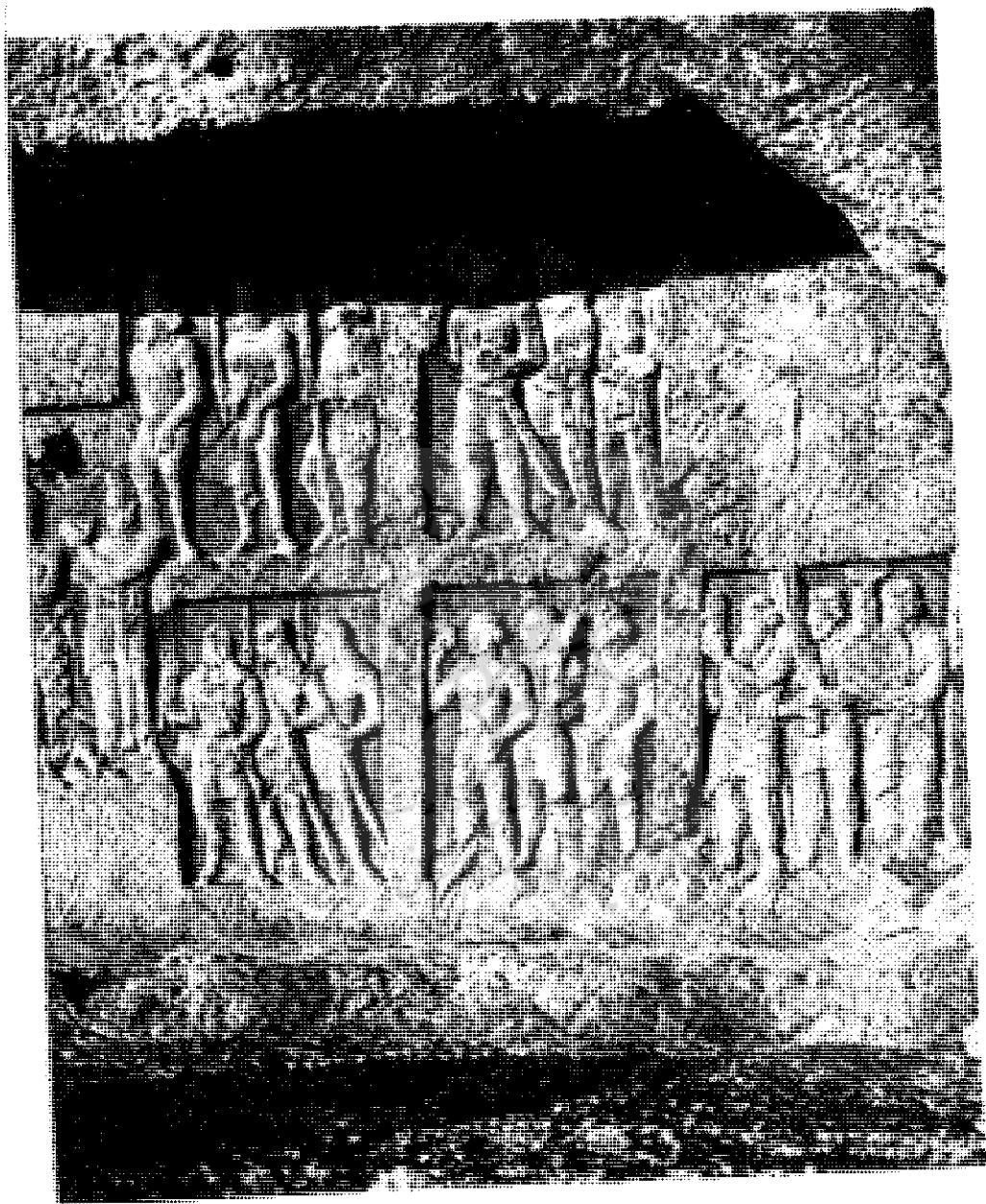
• در ماه فروردین سال ۴۸ از تاریخ آتش.

• اردشیر و سال سی از آتش شاپور.

• شاه مؤبدان سال ۲۴ این است مجسمه.



که در مقابل شاپور زانو زده است.



تصویر ۳ - والرین را نشان میدهد

- مزدپرست شاپور خدا شاه‌شاهان .
- ایران وانیران (غیرایران) نژاد .
- پاك خدايان پسر مزدپرست اردشیر خدا .
- شاه‌شاهان ایران نژاد .
- خدایان نوه پاك خدا این آثار توسط .
- آپاسای منش از شهر حران .
- که شهر خانواده او میباشد برای پادشاه خود .
- مزدپرست شاپور خدا .
- شاه‌شاهان ایران وانیران .
- نژاد خدایان ساخته است .
- وقتیکه شاه‌شاهان این تصویر را دید .
- به آپاسای منشی خلعت بخشید .
- از طلا و نقره و یک باغ و یک معبد .

در سال دوم و سوم نیز در قصری از قصور ساسانیان مختصر حفاری بعمل آمد و گنج‌بریهائی کشف شد .

قصر - پس از مدت سه هفته کاوش و خاکبرداری آثار دوره اسلامی خرابه های قصور ساسانیان پیدا شد که پس از برداشتن طاق تالار، سنگ و خاک بسیاری تمام این تالارها را پر کرده بود. زمین و سطح این تالار بزرگ یک متر از سطح معبد بالاتر و بشکل هشت گوش ساخته شده بود که بتوسط چهار دالان محاط میشد و در اطراف نیز درهائی داشته است .

دورتادور این تالار بطرز قصور ساسانیان در فیروزآباد که اردشیر اول ساسانی بنا کرده، گنج‌بریهائی بسیار ظریف بنظر میرسید و یک ناحیه داخل این بنا دارای شش دیوار کوچک که باز بتوسط گنج‌بری مزین شده بود، نمایان شد. نقوش اغلب برنگ سیاه و قرمز و تمام دیوارها و دالانها و سردرهای این تالار را گنج‌بریهای زیبای رنگین مزین میساخت که اغلب برنگ قرمز جلوه‌گری میکرد .

عرض تالار از یک درتادردیگر ۳۷ متر و در قسمت مرکزی یک مساحتی به

۲۲ متر مربع ساخته بودند و روی زمین این تالار قطعاتی از گچ بریهای زیبا بارنگهای مختلف: سیاه، آبی، قرمز و قطعاتی بسیار زیبا و ظریف دیگر از دوره ساسانیان بدست آمده است.

این تزئینات و این گچ بریهای زیبا چنانکه گفته شد شباهت زیادی بگچ بریهای کاشان، تیسفون و دامغان داشتند و میتوان جهت مقایسه بین عموم این گچ بریها يك بز کوهی را طرف مطالعه قرار داد.

این حیوان در قصورری بهمین طرز در حال دو و پرش دیده میشود و ذوق صنعتگران ساسانی را هم نشان میدهد.

این نقش در طاق بستان نیز حجاری شده و بر روی ظروف نقره ساسانیان هم نمایان است.

تنگ چوگان - در سمت شمال شرقی جلگه شاپور تنگی است که آنرا تنگ چوگان مینامند و رودخانه‌ای از میان آن تنگ میگذرد. در سمت راست رودخانه دو حجاری دیواری موجود است.

حجاری اولی سمت راست با ارتفاع چهار متر و نیم و بعرض ده متر و در روی آن صورت سواری را نقش کرده اند که شباهت بصورت‌های نقش رستم دارد. در زیر پای اسب شاپور یک نفر خوابیده و در مقابل او شخصی زانو زده که در حال تضرع میباشد و گفته اند این موضوع فتح والرین را نشان میدهد.

در طرف راست مکانی است که سیزده ذرع عرض آنست و چهار متر و نیم ارتفاع دارد و صورت پادشاهی که سوار اسب است دیده میشود و ترکش از پهلوی راست او آویخته. یکنفر پیاده از طرف راست که بیایش زنجیر میباشد دستش را گرفته و نیز در زیر سم ستور، شخصی مشاهده میشود.

سه نفر از اهالی روم در جلوی اسب حجاری شده اند و یکی از آنها بزانو در آمده و تضرع میکند.

در جلوی پادشاه ملکی است که بنظر میرسد از آسمان آمده و در دست او چیزی است مانند نصف حلقه و در سمت جلوی پادشاه در آن مسطحه

پنج طاقچه نمایش داده‌اند: سه در پائین و دو در بالا و در هر يك از آنها صورت سه مرد سپاهی است که حربه‌ای بدست دارند و دو نفر از آنها یکدستان مثل اینست که در آستین پنهان باشد و در عقب سر پادشاه دو دسته سوار است که همه دست راست خود را پیش صورت برده‌اند. این کننده کاری سابقاً خطوط پهلوی داشته که فعلاً از بین رفته و ترجمه‌اش اینست:

« هر مزد پرست شاپور شاهنشاه »

قلعه شاپور - قلعه شاپور بالای کوهی است که در دامنه آن دو مجلس که شرحش گذشت قرار دارد و آن قلعه اکنون منهدم و خراب است. تمام از گچ و سنگ بوده و عجیب بنائی است. در آن، عماراتی تو در تو و ایوانها و سراهای شاهانه ساخته بودند و سنگهای بزرگ از آن بنا و سرا بر زمین افتاده، عمارتش در وضع و طرزی غریب است و بقعه‌های دیگری که دیده‌ایم شباهتی ندارد.

اما قلعه شاپور از حیث محل چنان واقع شده که اطراف آنرا همه آب گرفته و راه عبور در آنجا مسدود است مگر یکطرف از کوه که راهی داشته و از آن بالا میرفته‌اند و در آن راه هم چند جا سنگرها ساخته بوده‌اند که از یورش لشکر دشمن محفوظ و مصون باشند. این قلعه از شاپور اول است. در سمت راست يك قطعه از کوه را صاف و هموار نموده و در روی آن صورتها نقر کرده‌اند و اما عرصه‌ای که در آن صورت است بشکل نیم دایره میباشد. در آنجا چند دسته صورت است که اکثر آنها اسب سوارند، همه مکل و مسلح و صورت پادشاهی را نیز کشیده‌اند که بر فیل سوار است.

صورت کالسکه‌ای نیز ساخته شده، مانند کالسکه‌ای که در تخت جمشید کشیده‌اند؛ اما این اشکال بحدی ضایع و نابود شده که نمیتوان آنرا مشخص نمود.

چند قدمی که از نقش مزبور بگذریم بمسطحه دیگری میرسیم که در آن صورت شاهی سوار بر اسبی منقور شده است. پری بر کلاه زده و ترکیبی از

طرف راست آویخته است. در مقابل پادشاه چند نفر ایستاده اند، واسب بحضور آورده اند و برخی شتر. این مجلس نیز کمی محکوک است.

چند گامی که از محل مزبور بگذریم بمسطحه دیگری میرسیم که ارتفاع آن چهار متر و عرضش نه متر است و در آن صورت دوسوار است یکی از آنها تاجی مدرج بر سر نهاده و پری چند بر آن نصب کرده است و گیسوبند نیز دارد و پارچه ای عریض برشانه بسته که باد آنرا حرکت داده است. زنجیری از جانب راست آویخته، حلقه ای در دست راست گرفته و بسوی سوار مقابل دراز نموده اما بر آن حلقه پارچه ای بسته اند، که سوار مقابل دست خود را دراز کرده و آن پارچه را گرفته است.

این سوار هم تاج کنکره داری بر سر دارد و پررنگی بر آن زده و در دست چپ حربه ای دارد، از پشت سر پارچه عریض را افکنده. در این مجلس دم اسبها را گویا تاب داده اند.

در پس سر این سوار بر سنگ خطوطی پهلوی نقر کرده اند که ترجمه آن اینست:

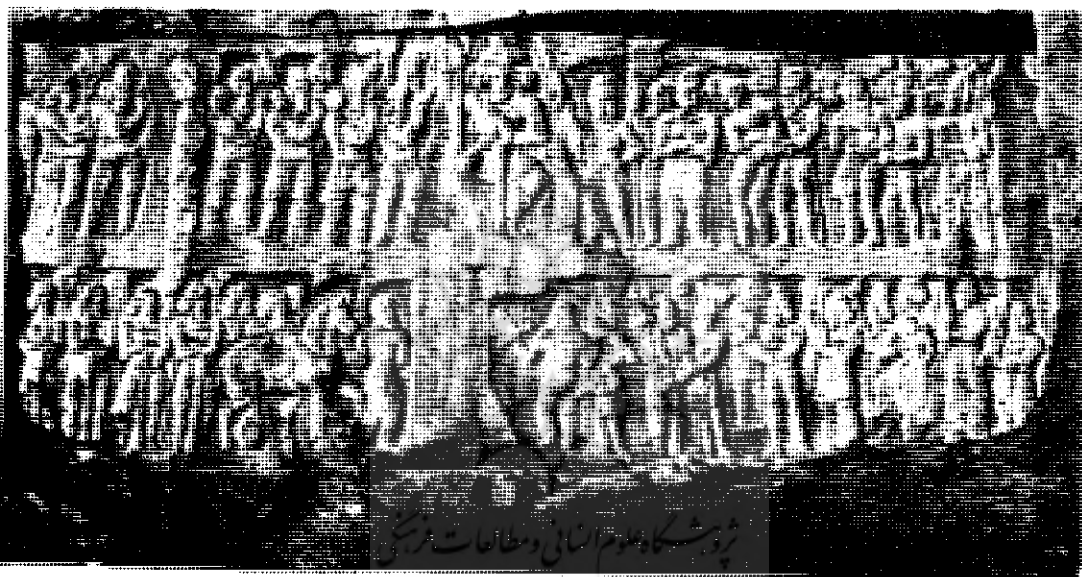
« این است نقش اورمزد پرست خداوندگار. نرسز.
شاهنشاه ایران و انیران [غیر ایران] زاده آسمان، پسر
اورمزد پرست خدایگان شاپور شاهنشاه ایران و انیران
[غیر ایران] نبیره اردشیر شاه شاهان. »

از مجالس فوق چند قدمی که بگذریم باز قطعه ای از کوه را صاف کرده و تصاویری در دل کوه منقوش نموده اند. عرض این قطعه ده متر و ارتفاعش چهار متر و نیم. در آن مسطحه سه مجلس نمایش داده اند: يك مجلس در بالا و دو مجلس در پائین.

در مجلس بالا صورت پادشاهی است، در وسط بر روی کرسی نشسته، عصائی در دست دارد و در دو طرف آن پادشاه دودسته نفرات ایستاده اند. دسته طرف راست پادشاه هفت نفرند با سرهای برهنه و همگی دست راست خود را بلند نموده پیش صورت برده اند [بنشانه ادای احترام] و بانگشت بپیزی اشاره مینمایند. سر این اشخاص کمی پائین است و اینان اهل روم اند. طرف



تصویر ۴ - تاج بخشی شاپور



تصویر ۵ - اسرا در مقابل شاپور .

چپ پادشاه شش نفر نیز ایستاده‌اند. اینان نیز سرهاشان برهنه و دست راست خویش را به پشت کمر برده‌اند.

اما در مجلس پائین که بجانب دست راست پادشاه است شبیه اسبی بر سنگ منقور شده که زین بر پشتش گذارده‌اند و یک نفر دهنه آنرا گرفته و ایستاده‌است. هفت نفر نیز بقطار در عقب آن اسب ایستاده‌اند.

در مجلس پائین که سمت چپ پادشاه است، شخصی مثل اینکه میر غضب باشد، دیده میشود. بر روی هر يك از دو دست او سر بریده‌ایست که گویا دو کس را سر بریده و از حضور پادشاه سرها را میگذرانند و يك طفل بسیار کوچک پهلوی آن میر غضب است که بدست خود دامان میر غضب را گرفته و در عقب سر آن طفل شخص دیگری که آنهم بنظر میآید جلاد باشد، سر بریده‌ای را آورده است و در پشت سر آن جلاد چهار نفر ایستاده‌اند، مثل اینکه سپاهی باشند. باید گفته شود که نفرات دو مجلس پائین نیز سرشان برهنه است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی